

# علم أصول الفقه

۵۳

۹۰-۱۲-۲ مبادی مختص تصدیقی

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## التوكل

- ٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أُعْطِيَ ثَلَاثًا لَمْ يُمْنَعْ ثَلَاثًا مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ أُعْطِيَ الْإِجَابَةَ «٤» وَ مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزِّيَادَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ التَّوَكُّلَ أُعْطِيَ الْكِفَايَةَ «٥» ثُمَّ قَالَ أ تَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ «٣» وَ قَالَ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ «٦» وَ قَالَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ «٧».

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اگر عصمت را امری اختیاری بدانیم، خداوند باید پیامبران خویش را از بین کسانی که به اختیار خودشان معصومند، برگزیند و اگر عصمت را امری جبری تلقی کنیم، باید خداوند به جبر الهی خویش، فرد معصومی را خلق و سپس او را به پیامبری برگزیند.
- اگر در برهه‌ای از زمان فرد معصومی وجود ندارد یا امکان خلق فرد معصوم مهیا نیست، خداوند هم نمی‌تواند در آن مدت، پیامبری را بین مردم بفرستد. زیرا مسلماً استفاده از فاسقان و فاجران، هدف مورد نظر را تأمین نخواهد کرد.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- ثانیاً: استدلال متکلمان از دو مقدمه تشکیل می‌شود که یکی از آنها عقلایی و دیگری عقلی است.
- مقدمه‌ی عقلایی همان تلازم عقلایی است که در ابتدای بحث ذکر کردیم. عقلاً بین عصمت در بعضی شؤون زندگی و عصمت در سایر شؤون تلازم می‌بینند. از این رو، کسی را در تلقی و ابلاغ وحی معصوم می‌دانند که در سایر شؤون زندگی خویش معصوم باشد.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- مقدمه‌ی عقلی در این استدلال نیز همان است که به کرات در طول بحث‌ها مورد اشاره قرار گرفت و آن عبارت است از این که غرض از بعثت انبیا جز به ارسال نبی معصوم حاصل نمی‌شود.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اما مقدمه‌ی اول عقلایی است از آن جهت که اگر ما باشیم و عقل (با قطع نظر از دقتی که در استدلال فلاسفه ذکر خواهیم کرد)، عقل محال نمی‌داند که یک نفر در ابلاغ و دریافت وحی معصوم باشد؛ اما در سایر امور نه تنها از خطا و نسیان مبرا نباشد، بلکه گرفتار عصیان نیز بشود. بنابراین استحاله‌ای ندارد که یک نفر فاسق و فاجر در دریافت و تلقی و ابلاغ وحی معصوم باشد، اما خود به دستوراتی که ابلاغ می‌کند، گردن ننهد.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- ثالثاً: اگر شخصی ادعای پیامبری کند و معجزه ای نشان دهد و مردم به پیامبری او اعتقاد پیدا کنند، بر اساس این استدلال کافی است بعد از این در رفتار او خطا و نسیانی مشاهده نکنند و لازم نیست قبل از این چنین وضعیتی داشته باشد.
- البته این استدلال شامل امور عادی مانند امور دینی می شود.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- رابعا: نهایت چیزی که استدلال متکلمان می تواند اثبات کند، عصمت نبی از خطا و عصیان و نسیان در آشکار است. زیرا بنا بر آن تلازم عقلایی، عقلا به فردی اعتماد می کنند که از او خطا، نسیان یا عصیانی مشاهده نکنند و چنین امری با عصمت نبی در جلوت حاصل می شود و ضرورتی ندارد که نبی در خلوت خویش - آنجا که اعمال وی در مرئی و منظر عقلا نیست - از خطا و عصیان و نسیان معصوم باشد.



## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- واضح است این مطلب از منظر عقل مورد بررسی قرار گرفته است، نه از منظر عقلا. به حکم عقل این اعتماد در صورتی که عقلا هیچ نحوه خطا و نسیان و عصیانی از شخص مشاهده نکنند، حاصل می شود؛ اگرچه شخص در خلوت خود چنین نباشد. همین قدر کافی است که عقلا از خلوت وی بی اطلاع باشند. اما با یک دید عقلایی اگر عقلا بدانند یا احتمال دهند که این شخص در خلوت خویش معصوم نیست و گرفتار خطا، عصیان یا نسیان می شود، باز اعتمادشان از او سلب می شود و به جلوت او هم اعتماد نمی کنند.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- حال با این منظر عقلی، اگر خداوند بخواهد فقط به اندازه‌ی مقتضیات عقلایی، پیامبر انتخاب نماید، حکمتش اقتضا می‌کند که پیامبرش در جلوت گرفتار عصیان و خطا و نسیان نشود و با همین مقدار غرض وی تأمین خواهد شد.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- به خصوص بنا بر آن قول که عصمت را امری کاملاً جبری به حساب می‌آورد (و با ذوق بعضی متکلمان هم سازگار است) و کسی را معصوم می‌داند که خداوند او را حفظ کرده باشد - و العصمة لمن عصمه الله را همین گونه تفسیر می‌کند - ضرورت ندارد خداوند بیش از جلوت، فرد معصوم را حفظ کند.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- خداوند می تواند در خلوت که از دسترس عقلا به دور است، فرد را به حال خود باقی بگذارد و فقط کاری کند که در بین مردم گرفتار خطا، نسیان یا عصیان نشود.
- بدین ترتیب این شخص چون در تلقی و ابلاغ معصوم است، پیام خداوند را بدون هیچ تغییر و تحولی به مردم می رساند و چون در آشکار و در مرئی و منظر مردم گرفتار گناه و خطایی نمی شود، مورد اعتماد مردم است و مردم به سخنانش اعتنا می کنند.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- باز بر این نکته تأکید می‌ورزیم که ما الآن دلیل را از منظر عقلی ارزیابی می‌کنیم. بنابراین اگر می‌گوییم پیامبر بنا بر مقتضای دلیل ممکن است در خلوت خویش معصوم نباشد، به این معنا نیست که او ضرورتاً در خلوت خویش گرفتار عصیان و خطا و نسیان می‌شود.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- به عبارت دیگر دلیل نمی تواند عصمت نبی را در خلوت اثبات کند؛ همان طور که نمی تواند عصمت او را در خلوت نفی نماید. دلیل فقط می تواند عصمت در جلوت را ثابت کند و نسبت به خلوت ساکت است.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- از سوی دیگر معنای امکان عدم عصمت در خلوت این نیست که فعل واجب و ترک حرام در خلوت بر پیامبر لازم نیست. او بر طبق دستوی که از سوی خداوند دریافت داشته، همچون دیگران، در خلوت نیز باید بر طبق دستورات الهی رفتار نماید.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اینجا سخن در این است که عدم انجام وظیفه در خلوت، با حکمت ارسال رسل منافات پیدا نمی‌کند. چرا که خداوند می‌بایست کسی را می‌فرستاد که در تلقی و ابلاغ معصوم باشد - بنا بر فرض این شخص چنین است - و باید کسی را می‌فرستاد که مورد اعتماد مردم باشد - بنا بر فرض این هم حاصل است - ، اما دلیل بیش از این را اقتضا نمی‌کند.



## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اگر حکمت اقتضا می‌کرد که وی باید مطلقاً معصوم باشد، خوب این فقط منحصر در وی نبود؛ همه‌ی مردم باید معصوم می‌بودند و دیگر لازم نبود خداوند پیامبران را بفرستد تا مردم را به راه راست هدایت کند. حال آن که سنت الهی نه اقتضا دارد که همه معصوم باشند و نه اقتضا دارد که به همه مستقیماً وحی شود.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- قول جبری بودن عصمت با ذوق برخی متکلمان سازگار است.

## منطق العقل في عصمة النبي عن الخطأ

- و إليك توضيح هذا الدليل العقلي: إنَّ الخطأ في غير أمر الدين و تلقى الوحي يتصور على وجهين:
- أ. الخطأ في تطبيق الشريعة كالسهو في الصلاة أو في إجراء الحدود.
- ب. الاشتباه في الأمور العادية المعدة للحياة كما إذا استقرض ألف دينار، و ظن أنه استقرض مائة دينار.

## منطق العقل في عصمة النبي عن الخطأ

- و الحقّ أنّه مصون من الاشتباه و السهو في كلا الموردين، و ذلك لأنّ الغاية المتوخاة من بعث الأنبياء هي هدايتهم إلى طريق السعادة، و لا تحصل تلك الغاية إلّا بكسب اعتماد الناس على صحة ما يقوله النبي و ما يحكيه عن جانب الوحي، و هذا هو الأساس لحصول الغاية، و من المعلوم أنّه لو سها النبي و اشتبه عليه الأمر في المجالين الأوّلين ربّما تسرب الشك إلى أذهان الناس، و أنّه هل يسهو أيضاً في ما يحكيه من الأمر و النهي الإلهي أم لا؟

## منطق العقل في عصمة النبي عن الخطأ

- فبأي دليل أنه لا يخطأ في هذا الجانب مع أنه يسهو في المجالين الآخرين؟! و هذا الشعور إذا تغلغل في أذهان الناس سوف يسلب اعتماد الناس على النبي، و بالتالي تنتفي النتيجة المطلوبة من بعثه.
- نعم، التفكيك بين صيانته في مجال الوحي و صيانته في سائر الأمور و إن كان أمراً ممكناً عقلاً، و لكنه ممكن بالنسبة إلى عقول الناضجين في الأبحاث الكلامية و نحوها، و أمّا العامّة و رعايا الناس الذين يشكّلون أغلبية المجتمع، فهم غير قادرين على التفكيك بين تينك المرحلتين، بل يجعلون السهو في إحداهما دليلاً على إمكان تسرب السهو إلى المرحلة الأخرى.

## منطق العقل في عصمة النبي عن الخطأ

- و لأجل سدّ هذا الباب، المنافي للغاية المطلوبة من إرسال الرسل، ينبغي أن يكون النبي مصوناً في عامّة المراحل، سواء أكانت في حقل الوحي أو في تطبيق الشريعة أو في الأمور العاديّة،

## منطق العقل في عصمة النبي عن الخطأ

- و لهذا يقول الذكر الحكيم في حق المسيح: (وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ\*)  
«١»
- و الإمام الصادق - عليه السلام - : «جعل مع النبي روح القدس و هي لا تنام و لا تغفل و لا تلهو و لا تسهو». «٢»
- و على ذلك فيما أنه ينبغي أن يكون النبي اسوة في الحياة في عامة المجالات يجب أن يكون نزيهاً عن العصيان أو لا الخلاف و السهو و الخطأ ثانياً.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- ب. دلیل فلاسفه:
- اساس استدلال فلاسفه با اساس استدلال متکلمان یکی است و منطق استدلالشان با منطق استدلال متکلمان فرقی ندارد. یعنی آنها هم این تلازم را می‌پذیرند که بین بعضی شؤون زندگی و سایر شؤون در عصمت ملازمه است و قبول دارند که ابلاغ وحی جز از طریق معصوم حاصل نمی‌شود.
- اما فرق استدلالشان با استدلال متکلمان در این است که تلازم را عقلی می‌دانند نه عقلایی. بنابراین هر دو مقدمه‌ای که در استدلالشان به کار می‌گیرند، عقلی است.



## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اساس استدلال چنین است: خداوند باید کسی را به پیامبر برگزیند که در تلقی و ابلاغ وحی معصوم از خطا و نسیان و عصیان باشد (یعنی به تمام معنا معصوم باشد و نه فقط از عصیان) و کسی که در بعضی شؤون یعنی تلقی و ابلاغ معصوم است، در سایر شؤون نیز معصوم می باشد.
- در نتیجه با این استدلال عصمت پیامبران در تمامی شؤون ثابت می گردد.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- متکلمان مقدمه‌ی دوم این استدلال را به گونه‌ای عقلایی تقریر می‌کنند، حال آن که در نظر فلاسفه این مقدمه، عقلی است. فلاسفه کاری به عقلا ندارند و سخنی از اعتماد آنها به میان نمی‌آورند؛ اما در عین حال قضاوت متکلمان را در مورد تلازم بین بعضی شؤون و سایر شؤون، تأیید می‌کنند.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- در نظر آنان این فقط یک احتمال ابتدایی است که یک فاسق و فاجر می‌تواند در تلقی و ابلاغ معصوم و در سایر شؤون زندگی مبتلا به عصیان و خطا و نسیان باشد.
- دقت عقلی این احتمال بی پایه را منتفی می‌سازد و حکم می‌کند که اگر کسی در شأنی از شؤون زندگی معصوم است، حتماً می‌بایست در سایر شؤون نیز از صفت عصمت برخوردار باشد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- فلاسفه ادعای خویش را با تحلیل حقیقت وجود (یعنی تحلیل اصل حقیقت) اثبات می نمایند. حاصل آن تحلیل به شرح زیر است:

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- فلسفه از امور حقیقی سخن می گوید و هدفش جدا ساختن حقایق از حقیقت نماها و امور باطل است.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- تمام چیزهایی که در اطراف ما موجودند با تمام تفاداتهایی که دارند، در اصل واقعیت وجود مشترکند. یکی از تفاوت‌های آنها، ماهیت آنها است که خود یک امر عدمی است و عدم موجود نیست. حیثیت یک درخت، حیثیت یک گوسفند، حیثیت یک کوه و... — یعنی آن حیثیتی که آن را فارغ از وجود می‌شماریم — اصلاً وجود ندارد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- وجود حقیقتی دارای مراتب است که پر از واقعیت است و اصلاً جای خالی ندارد؛ «عدم» نیست.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اگر خصوصیتی در مراتب بالا وجود دارد، در تمام مراتب پایین تر به صورت ضعیف تر جلوه کرده است.



## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- از این رو، فلاسفه گاه علم را امری مجرد تلقی می‌کنند و گاهی می‌گویند همه‌ی عالم، علم است. زیرا سراسر عالم، وجود است و علم از شؤون این وجود. بنابراین علم نمی‌تواند از وجود جدا شود. مرتبه‌ای از مراتب این علم را همان علم خاص می‌نامیم و آن را مجرد می‌دانیم و مرتبه‌ای دیگر از این نگاه، علم نیست و مجرد نمی‌باشد.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- همین طور فلاسفه از یک سو عالم را به دو قسم مجرد و مادی تقسیم می‌کنند و از سوی دیگر کل عالم را مطلقا مجرد می‌دانند. این سخنان تناقض گویی نیست، بلکه از منظرهای مختلف ترسیم شده‌اند.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- عالم وجود در نظر فیلسوف از بالا تا پایین پر واقعیت است، واقعیتی یگانه که تفاوت در آن به مرتبه است؛ برخی در مرتبه‌ی قوی و برخی دیگر در مرتبه‌ی ضعیف قرار دارند.
- هر موجودی در هر کجای جغرافیایی وجود قرار گیرد، خصوصیات همان مرتبه را دارا است، نه خصوصیات بالاتر را واجد است و نه خصوصیات پایین‌تر را. بله هر مرتبه‌ای واجد کمالات مرتبه‌ی پایین‌تر از خود است؛ اما نقص‌های مرتبه‌ی پایین خود را ندارد.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- پیامبران نیز که خلق می‌شوند، در مرتبه‌ای قرار دارند. به تعبیر قرآن: «والله اخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئاً». ولی اینطور نیست که در همان مرحله و نقطه توقف کنند تا به آنها وحی شود. باید سیری داشته باشند، حال به جبر یا به اختیار (بنا بر این که در عصمت کدام قول را بپذیریم).

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اگر کسی می‌خواهد به وحی نبوی برسد، باید در نقطه‌ای قرار گیرد که قابلیت چنین چیزی را داشته باشد. یکی از چیزهایی که در آن نقطه دارد، عصمت است.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- به عبارت دیگر بین عصمت و دریافت وحی ملازمه وجود دارد. بنابراین یک فاسق فاجر نمی‌تواند با حفظ فسق و فجور، دریافت کننده‌ی وحی باشد. او باید در مسیر ارتقای نفسانی قرار گیرد.
- از سوی دیگر رسیدن به این نقطه نه تنها پاکی ذاتش را می‌طلبد، بلکه پاکی اجدادش را اقتضا می‌کند. او موجودی است که در مسیر خلقت گرفتار دنس و ناپاکی نشده و از هر جهت پاک مانده است: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا».

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- چنین موجودی که صلاحیت قرار گرفتن در این مرتبه را دارد، ممکن نیست که فقط در برخی شؤون معصوم باشد. او با تمامی هویتش در آن نقطه قرار دارد، تکه تکه نیست تا با تکه‌ای در اوج (اعلی‌علیین) و با تکه‌ای دیگر در حضيض (اسفل‌السافلین) باشد.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- او از عصمت در وحی برخوردار است که از مراتب بالای عصمت به شمار می آید. کسی که به او وحی می شود به مرتبه‌ای از عصمت دست یافته که در تلقی و ابلاغ وحی گرفتار عصیان و نسیان و خطا نمی شود. چنین کسی در سایر امورش که به مراتب از وحی ساده تر است، مصون از عصیان و خطا و نسیان خواهد بود.



## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- بنابراین برخی تعابیر که در روایات اهل سنت وارد شده مبنی بر این که پیامبر فرموده: من به طرق آسمانها از طرق زمین آشناترم و شما در مسایل دنیایی تان از من شاید بهتر باشید، یقیناً از پیامبر صلی الله علیه و آله نیست.
- بله پیامبر به طرق آسمانها آشناست (و نه حتی آشناتر چرا که ما اصلاً آشنا نیستیم)، اما این که پیامبر در امور دنیا آشنایی کمتری از دیگران داشته باشد، درست نیست. پیامبر در مرتبه‌ی عالی است و نمی‌شود چیزی را که مرتبه‌ی دانی دارد، واجد نباشد.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- بدیهی است که استدلال فلاسفه به خلاف استدلال متکلمان، اقتضا می‌کند که پیامبر در خلوت خویش نیز از عصیان و خطا و نسیان مبرا باشد و این مطلب یکی دیگر از تفاوت‌های این دو دلیل به شمار می‌آید.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- نکته‌ای که در اینجا حایز اهمیت است، نوع نتیجه‌ی این دو دلیل (دلیل متکلمان و دلیل فلاسفه) است. این دو دلیل اگرچه در نحوه‌ی تقریر یکی از مقدمات با هم تفاوت دارند، اما در نوع نتیجه یکسانند. نتیجه‌ی هر دو دلیل یقینی است. این مطلب در دلیل فلاسفه که هر دو مقدمه‌ی استدلالشان عقلی است، امری واضح است، اما در دلیل متکلمان نیازمند به توضیح مختصری است:
- همان طور که بیان شد یکی از مقدمات دلیل متکلمان این بود که عقلا عصمت در بعضی شؤون و عصمت در سایر شؤون تلازم می‌بینند اگرچه عقل (البته در یک فرض ابتدایی و نه با یک دقت عقلی) ممکن است بین این دو تلازمی نبیند. این تلازم عقلایی، امری یقینی است. یعنی ما مطمئنیم که عقلا به چنین تلازمی اعتقاد دارند و همین اعتقاد کافی است برای این که خداوند کسی را به پیامبری برگزیند که نه تنها در تلقی و ابلاغ وحی، بلکه در سایر اموری که برای عقلا پیدا است، مصون از خطا و عصیان و نسیان باشد. انضمام این مقدمه‌ی یقینی به مقدمه‌ی دیگر یقینی، نتیجه‌ای یقینی در پی دارد. بله اگر ما گمان یا ظن داشتیم که عقلا چنین قضاوتی دارند، نتیجه‌ی استدلال امری ظنی بود نه یقینی.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- به عبارت دیگر اگرچه یکی از مقدمات استدلال با قضاوت عقلا شکل می‌گیرد، اما اصل استدلال، عقلی است.
- عقل حکم می‌کند که عقلا بین بعضی شؤون با بعضی دیگر در عصمت تلازم می‌بینند، بنابراین اگر نبی در بخشی معصوم است، باید از نظر عقلا در بخش دیگر نیز معصوم باشد.
- و چون اینچنین است، حکمت خداوند اقتضا می‌کند که پیامبرش در تمام شؤون معصوم باشد.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- ناگفته نماند که دلیل متکلمان هرچند به لحاظ دلالت محدودتر از دلیل فلاسفه است، اما از نظر اثر عملی با دلیل فیلسوفان یکی می باشد.
- دلیل متکلمان از آنجا که حوزه رفتارها و گفتارهای ناپیدای معصوم را در بر نمی گیرد، محدودتر است، اما چون در تمسک به معصومان فقط حوزه رفتارها و گفتارهای پیدا مطرح است، از نظر عملی فرقی بین دو دلیل نیست.

## دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- . در اینجا فقط به تبیین دلیل فلاسفه بسنده می‌کنیم و مقدمات آن را اثبات نمی‌نماییم.
- . نحل، ۱۶.
- . در مقاله‌ی وحی و شهود غیب توضیح داده‌ایم که عالم، وحی است و وحی دارای مراتبی می‌باشد. یکی از آن مراتب وحی نبوی است.
- . احزاب، ۳۳.
- . عصمت دارای مراتبی است که برخی از آن مراتب برای انسان‌های عادی نیز حاصل است. مسلماً افرادی هستند که عصمت عملی دارند و گرفتار عصیان نمی‌شوند. عصمت علمی (یعنی مصونیت از خطا) نیز ممکن است برای افرادی حاصل شده باشد. اما آیا رسیدن به آن مراتب که انبیا و اولیای الهی دارا هستند، برای انسان‌های عادی ممکن است؟
- . از نظر فلاسفه چنین چیزی ممکن است، چون راه انبیا از راه انبای بشر جدا نیست. توجه داریم که سخن از امکان عقلی رسیدن به آن مقام است نه حصول آن. چرا که رسیدن به این مقام اضافه بر زمینه‌های تکوینی، همت و صبر و... آنها را نیز طلب می‌کند. هر کس به هر مقدار این مقدمات در او فراهم‌تر باشد، به مرتبه‌ی وجودی آنها نزدیک‌تر خواهد شد. همان‌طور که مثلاً یک دونده برای این که قهرمان دوی جهان شود، باید شرایطی را دارا باشد و خصوصیات را نیز کسب کند. اگر کسی حایز آن ویژگی‌ها باشد، به این مرتبه می‌رسد، اما این مطلب هیچ منافاتی با این ندارد که امکان عقلی رسیدن به این مرتبه برای همه فراهم است.